

طبقه بندی مسائل جنایی فراروی پلیس برای ارتقای دانش پیشگیری وضعی از جرم

تاریخ دریافت: ۸۸/۹/۱۰

تاریخ پذیرش: ۸۸/۱۰/۲۰

علی افراسیابی^۱

چکیده

بیان مسئله: طبقه بندی جرم، بنحو مرسوم در حقوق کیفری، در پیشگیری از آن کارآئی ندارد. زیرا این گونه طبقه بندی‌ها، که بر اساس میزان مجازات یا موضوع جرم ترسیم می شود، برای سهولت در تعیین صلاحیت مراجع قضائی یا دیگر اهداف مطلوب مراجع قضائی، تعیین شده‌اند و اطلاعاتی در خصوص عوامل موجد جرم و نحوه پیشگیری از آن را، در اختیار نهاد پلیس قرار نمی‌دهد.

روش: مقاله حاضر به صورت توصیفی- تحلیلی و به روش اسنادی (کتابخانه‌ای) انجام شده، و تلاش می‌کند که نظامی از طبقه بندی را ارائه نماید که بر اساس آموزه‌های جرم شناسی و عوامل نزدیک موجد جرم بنیان نهاده شده است. برای این منظور ابتدا به تبیین مفاهیم و مبانی نظری طبقه بندی مسائل عام فراروی پلیس پرداخته شده است. پس از آن، تلاش می‌شود که نحوه طبقه بندی مسائل عام فراروی پلیس در نظام طبقه بندی پیشنهادی تبیین شود و در ادامه، نحوه بهره گیری از اطلاعات این نظام در ارتقای دانش پیشگیری وضعی از جرم بیان شده است. برای نظام طبقه بندی پیشنهادی، دو بُعد در نظر گرفته شده است:

پیشنهادات: ۱- بُعد تعامل جنایی بزهدیده که مبین انواع رفتارهای جنایی است. ۲- بُعد مکان‌های پیش جنایی که مبین مکان‌هایی است که پدیده جنایی در آن واقع می‌شود. امتداد هر یک از این ابعاد در نظام طبقه بندی پیشنهادی، مبین یک نوع خاص از مسائل جنایی فراروی نهاد پلیس است. با استفاده از این نظام طبقه بندی، نهاد پلیس می‌تواند انواع مسائل جنایی و روش‌های پیشگیری وضعی از آنها را طبقه بندی کند. به گونه‌ای که با تکمیل اطلاعات آن، به ازای هر یک از جرایم و ناهنجاری‌های فراروی نهاد پلیس، راهکارهای پیشگیرانه وضعی در دسترس قرار خواهد گرفت. اجرای این رویکرد در پلیس ایران مستلزم آن است که پلیس پیشگیری ناجا، یک شبکه ارتباطی سایبری، که ارتباط این پلیس با واحدهای اجرایی را فراهم می‌کند، ایجاد نماید. در این شبکه ارتباطی، از سویی تجربیات یگان‌های عملیاتی پلیس در پیشگیری از جرم به مرکز شبکه ارتباطی ارسال می‌شود و از سوی دیگر، این اطلاعات تحلیل شده و در قالب نظام طبقه بندی پیشنهاد شده، در اختیار کلیه یگان‌های اجرایی و مأموریتی قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها

مسئله جنایی / عوامل مسئله ساز / طبقه بندی مسائل جنایی / پیشگیری وضعی از جرم.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

از منظر پیشگیری وضعی از جرم، وقوع جرم و ناهنجاری در جامعه، نمایانگر پیشی گرفتن بزهکاران از اشخاص و نهادهای کنترل کننده عوامل نزدیک موجد جرم است. در واقع بزهکاران به لحاظ کسب تجربه در طول عمر جنایی خود یا ارتباط با دیگر بزهکاران، بر مهارت خود در ارتکاب جرم می‌افزایند. ولی اشخاص و نهادهای کنترل کننده عوامل نزدیک موجد جرم، به دلیل عدم مهارت در پیشگیری از جرم، و همچنین به علت فقدان یک مکانیسم پویا و مستمر برای انتقال دانش پیشگیری از جرم به آنها، نمی‌توانند در کنترل عوامل نزدیک موجد جرم موفق باشند. یگان‌های اجرایی پلیس نیز از این مسئله مستثنی نبوده و نیازمند مکانیسمی‌اند که تجربیات و دانش پیشگیری خود را با تکیه بر آن ارتقا دهند. موضوع دیگری که مکمل مسائل مطرح شده است اینکه، برخی از علمای جامعه‌شناسی از ناهنجاری‌های اجتماعی به عنوان عامل نوآوری و تحول بخش در جوامع انسانی یاد کرده‌اند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۳۱؛ و ولد و همکاران، ۱۳۸۰: ۱۸۰). از این رو، سؤالی که لازم به پاسخگویی این است که چگونه می‌توان از جرم و ناهنجاری برای ارتقای دانش پیشگیری وضعی از جرم استفاده کرد؟ اگر ادعا می‌شود که طبقه‌بندی مسائل عام فراروی نهاد پلیس، روش مناسبی برای ارتقای دانش پیشگیری وضعی از جرم است، سؤالات دیگری فرارویمان قرار می‌گیرد که عبارت‌اند از: منظور از طبقه‌بندی مسائل عام فراروی پلیس چیست؟ طبقه‌بندی مسائل عام فراروی نهاد پلیس بر چه مبانی نظری مبتنی است؟ چگونه می‌توان مسائل عام فراروی پلیس را در مکانیسم پیشنهاد شده در این نوشتار طبقه‌بندی کرد؟ و بالاخره اینکه، چگونه می‌توان از اطلاعات حاصل از طبقه‌بندی مسائل عام فراروی پلیس برای ارتقای دانش پیشگیری وضعی شبکه کنترل‌کنندگان، اعم از یگان‌های اجرایی پلیس و سایر اشخاص و نهادهایی که مسئولیت کنترل عوامل نزدیک موجد جرم در مکان‌های خاص را عهده دارند، استفاده کرد؟ در واقع اهمیت پرداختن به این موضوع از آنجا آغاز می‌شود که، اگر به روش‌های بزهکاران در ارتکاب جرم توجه شود، ملاحظه می‌شود که یک شخص بزهکار با استفاده از تجارب کسب شده در طول عمر جنایی خود، و همچنین تجارب

هم کیشان خود، مدام در حال تحول و پویائی است و روز به روز در ارتکاب جرم مهارت کسب می‌کند. واقعیت این نظریه در جرایم سازمان یافته بیشتر نمایان می‌شود. زیرا «ارتباط این بزهکاران با یکدیگر بیشتر از سایر بزهکاران است، و این ارتباطات [به اصطلاح شبکه‌ای] انتقال تجربیات بزهکاری به دیگر بزهکاران را در پی دارد» (ثورنبری^۱، ۱۹۹۸: ۱۲۲). بنابراین شبکه بزهکاران روز به روز در ارتکاب جرم ماهرتر و مجرب‌تر می‌شوند، ولی شبکه کنترل‌کنندگان به لحاظ فقدان ارتباطات محسوس و منسجم نمی‌توانند تجربه کسب کرده و در مصاف با بزهکاران، از وقوع جرم پیشگیری کنند. ضرورت تبیین این موضوع صرفاً محدود به این قبیل جرایم، که دارای بزهکاران حرفه‌ای و انگیزه‌دار می‌باشند نیست. بلکه، در سایر جرایمی که شرایط وضعی افراد را به سمت بزهکاری سوق می‌دهد نیز لازم است که مکانیسمی ترسیم شود که یگان‌های اجرایی پلیس از احتمال وقوع برخی جرایم در برخی وضعیت‌ها آگاه باشد و برای پیشگیری از آنها راهکارهایی را در دست داشته باشد. بنابراین با این پیش فرض که جرم و ناهنجاری می‌تواند دانش پیشگیری از جرم را متحول کند، این مقاله تلاش می‌کند که مکانیسمی را ارائه کند که با استفاده از آن نهاد پلیس می‌تواند اطلاعات حاصل از وقوع جرایم و همچنین راهکارهای پیشگیری از آن را به صورت منسجم و هدفمند طبقه‌بندی نماید و در ادامه، راهکارهای پیشگیری از مسائل جنایی طبقه بندی شده را در قالب مکانیسم پیشنهاد شده طبقه‌بندی کرده و برای ارتقای دانش پیشگیری شبکه کنترل‌کنندگان، در اختیار آنها قرار دهد. به گونه‌ای که پس از تکمیل اطلاعات مکانیسم پیشنهادی، به ازای هر یک از مسائل جنایی طبقه بندی شده، راهکارهای پیشگیرانه وضعی در دسترس قرار خواهد گرفت. از آنجا که پیشگیری از وقوع پدیده جنایی یک سیاست جمعی بوده و مستلزم همکاری تمام اқشار جامعه است، اجرای این روش مستلزم ایجاد یک ارتباط مستمر و قوی بین نهاد پلیس و اشخاص و نهادهای متولی یا مالک محیط‌های اجتماعی و مسئولان مراقبت یا کنترل از عوامل نزدیک موجد پدیده جنایی است. تا

از این رهگذر نهاد پلیس بتواند یگان‌های اجرایی خود و مدیران محیط‌های اجتماعی و همچنین اشخاص مسئول در کنترل عوامل نزدیکِ موجدِ پدیدهٔ جنایی (که می‌توان از آنها، به شبکهٔ کنترل‌کنندگان یاد کرد) را از احتمال وقوع برخی مسائل در حیطهٔ مسئولیت آنها مطلع کرده و راهکارهای پیشگیری از مسائل جنایی را در قالب نظام طبقه‌بندی پیشنهاد شده به آنها اعلام کند.

با این وصف، برای پاسخگویی به سؤالات مطرح شده و تبیین طبقه‌بندی مسائل عام فراروی پلیس، مطالب این مقاله در چهار بخش ارائه می‌شود. در بخش نخست به تبیین مفاهیم و موضوعات مرتبط با طبقه‌بندی مسائل عام پلیس پرداخته شده است. از آنجا که آشنائی با هر روش مستلزم آشنائی با بنیان‌های نظری است؛ در بخش دوم، مبانی نظری طبقه‌بندی مسائل عام پلیس تبیین شده است. در بخش سوم، به تشریح طرح طبقه‌بندی مسائل عام پلیس پرداخته شده است و در بخش چهارم به نحوهٔ استفاده از این طرح در پیشگیری از مسائل عام فراروی پلیس اشاره شده است.

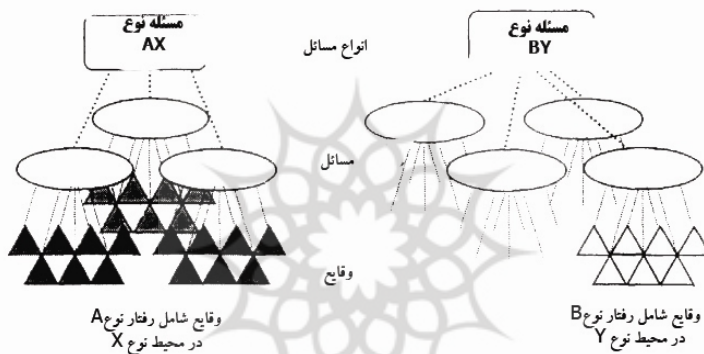
بخش نخست: منظور از طبقه‌بندی مسائل عام فراروی پلیس چیست؟

قبل از پرداختن به مسائل عام فراروی پلیس و طبقه‌بندی آن، بهتر است که اصطلاح «مسئله^۱» که در کشورهای آمریکای شمالی، انگلیس و ... طی فرایند «کنترل پلیسی مسئله محور^۲» و به عنوان آماج اقدامات کنترلی پلیس مطرح شده

۱- Problem: دلیل اینکه در این تحقیق از اصطلاح مسئلهٔ جنایی یا پدیدهٔ جنایی به جای اصطلاح جرم استفاده شده است این است که در سیاست جنایی عصر حاضر، از نهاد پلیس انتظار می‌رود که علاوه بر وقایع مجرمانه، وقایع فاقد وصف مجرمانه، ولی نابهنجار را نیز در حیطهٔ تدابیر کنترلی خود قرار بدهد. بنابراین منظور از مسائل جنایی یا پدیدهٔ جنایی اعم از جرم و نابهنجاری است.

۲- Problem-oriented policing: یا کنترل پلیسی مسئله محور فرایندی چهار مرحله‌ای است (بنگرید به: گلدشتاین، ۲۰۰۱؛ و نیز گلدشتاین، ۱۹۹۰:۱۳۱). در مرحلهٔ نخست، از طریق تمرکز بر یک مسئلهٔ خاص از مسائل فراروی پلیس، اطلاعات مربوط به ابعاد و ماهیت مسئلهٔ مشمول فرایند، گردآوری می‌شود. سپس در مرحلهٔ تحلیل، عوامل نزدیک مسئله ساز شناسایی و تحلیل می‌شود. در مرحلهٔ سوم، راهکارهایی برای حل مسئله تعیین و اجرا می‌شود. در حین اجرا و پس از اجرای راهکارهای معین، این فرایند ارزیابی می‌شود تا نقاط ضعف و قوت طرح مشخص شود. ارزیابی طرح که نقش اساسی در تکمیل اطلاعات طرح طبقه‌بندی مسائل عام فراروی پلیس دارد، مرحلهٔ چهارم فرایند را تشکیل می‌دهد (برای آگاهی کامل از کنترل پلیسی مسئله محور بنگرید به: افراسیابی، قدر نوبت چاپ).

است، تبیین شود. مسئله عبارت از گروهی از وقایع مرتبط است که موجبات دردرس و مزاحمت را برای جامعه محلی فراهم کرده است (اک، ۲۰۰۳: ۷۳). همان گونه که از این تعریف ملاحظه می شود، مسئله عبارت از گروهی از وقایع مرتبط است. این ارتباطات نزدیک ایجاب می کند که مسائل فراروی نهاد پلیس، محصول وقایع مشابه و مرتبط باشند. از این رو، همان گونه که یک مسئله متشکل از گروهی از وقایع مرتبط و مشابه است؛ می توان نتیجه گرفت که مجموع چند مسئله مرتبط، می تواند مبین نوع خاصی از مسائل فراروی نهاد پلیس باشد (نمودار شماره ۱).



نمودار ۱: وقایع، مسائل و انواع مسئله

با مد نظر قرار دادن این تشابه‌ها می توان بیان داشت که اطلاعات ناظر بر نحوه وقوع یک مسئله و راهکارهای پیشگیری از آن، می تواند در پیشگیری از مسائل مشابه، که در محدوده نوع خاصی از مسائل جنایی فراروی پلیس قرار می گیرند، قابل اجرا باشد. از این رو، وقتی پلیس برای حل یک مسئله جنایی خاص، تحقیقاتی را انجام می دهد و برای حل و فصل کردن آن راهکارهایی را تعیین و اجرا می کند، راهکارهای معین شده می تواند در پیشگیری از مسائل مشابه مفید باشد. ولی اجرای مستمر و منسجم این رویکرد مستلزم مکانیسمی منظم و پویاست که در این مقاله از آن با عنوان «طبقه بندی مسائل عام فراروی پلیس» یاد می شود. در طبقه بندی مسائل عام فراروی پلیس، نهاد پلیس می تواند جرایم و ناهنجاری هایی را که به صورت معمول و

روزمره با آنها مواجه است را طبقه‌بندی کرده و راهکارهای پیشگیری از مسائل مذکور را در نظام طبقه‌بندی پیشنهادی بگنجانند. به طوری که به ازای هر یک از انواع مسائل جنایی طبقه‌بندی شده، راهکارهای وضعی پیشگیری از آنها نیز در نظام طبقه‌بندی پیشنهادی موجود است. همان گونه که در بخش بعد خواهد آمد، نظریهٔ فعالیت روزمره تشریح کنندهٔ جرایمی است که مستلزم رویارویی بزهدکار و آماج در واحد زمان و مکان است. این امر موجب می‌شود که برخی از مسائل جنایی که بدون رویارویی بزهدکار و آماج واقع می‌شوند، از گسترهٔ این نظریه خارج شوند. از جمله، جرایمی که در بستر شبکهٔ اینترنت واقع می‌شوند؛ یا اقدامات تروریستی که با استفاده از شبکهٔ پست انجام می‌شوند. این جرایم که به عقیدهٔ برخی به جرایم شبکه‌ای^۱ مشهورند (اک، ۲۰۰۳: ۸۲)؛ نمی‌تواند در بین مسائل عام پلیس بررسی شود. زیرا کنترل این جرایم خارج از توان پلیس محلی بوده و در حیطهٔ وظایف پلیس ملی و استانی است. از این رو، می‌توان بیان داشت که منظور از مسائل عام فراروی پلیس آن دسته از مسائلی است که مستلزم رویارویی بزهدکار و آماج در واحد زمان و مکان است. همچنین آن دسته مسائلی تحت این عنوان قابل بررسی است که به صورت مکرر و مستمر بخشی از فعالیت روزمرهٔ نهاد پلیس را به خود اختصاص داده است. برای طبقه‌بندی مسائل عام فراروی پلیس باید ابعاد سه گانهٔ مثلث تحلیل مسئله (نمودار شماره ۲) را به دو بُعد تجزیه و سپس تحلیل کنیم: نخست، بعد رفتار جنایی که مبین تعامل بزهدکار و آماج در واحد زمان و مکان است. دوم، بعد محیطی که رفتار جنایی در آن واقع می‌شود. برخی از کارشناسان پیشگیری وضعی از جرم، مسائل عام پلیس را بر اساس نظریهٔ فعالیت روزمرهٔ طبقه‌بندی کرده‌اند (اک و کلارک، ۲۰۰۳: ۷؛ و اک، ۲۰۰۰: ۷۰: ۳). طبقه‌بندی‌ای که در جدول شماره ۱ به تصویر کشیده شده، شامل ۶۶ نوع مسئلهٔ جنایی است که به صورت روزمره بخش قابل ملاحظه‌ای از اقدامات کنترلی نهاد پلیس را به خود اختصاص داده است. هر یک از سلول‌های موجود در این جدول طبقه‌بندی، مبین یکی از انواع مسائلی است که به

۱- برای طبقه‌بندی جرایم شبکه‌ای می‌توان از مکانیسم‌های دیگری بهره‌جست. ولی باید توجه داشت که هر طبقه‌بندی‌ای نیازمند مبانی نظری قوی است که بتواند در صحنهٔ عمل کاربرد داشته باشد.

صورت روزمره بخش قابل ملاحظه‌ای از توان کنترلی پلیس را به خود اختصاص داده است. برای تشریح این سلول‌ها کافی است که هر کدام از آنها را به مثابه «انواع مسائل» که در نمودار شماره ۱ بیان شد، مد نظر قرار داده و مسائل و وقایع زیر مجموعه آن را تحلیل کنیم.

همان‌گونه که در جدول شماره ۱ ملاحظه می‌شود، مسائل عام پلیس با محوریت دو بُعد - بُعد رفتاری و محیطی - طبقه‌بندی می‌شوند. در بعد رفتار جنایی شش نوع رفتار طبقه‌بندی شده است و در بعد محیطی، یازده نوع محیط مدنظر قرار گرفته است. بعد رفتار جنایی مبتنی تعامل رفتار مجرمانه یا منحرفانه بزهکار و آماج جرم^۱ و همچنین ویژگی‌ها و عواملی است که موجبات رفتار جنایی را فراهم کرده است. بعد محیطی نمایانگر این مطلب است که وقوع چه رفتارهایی در چه وضعیت‌هایی قابل پیش‌بینی است؟ چه عوامل وضعی در چنین محیط‌هایی وجود دارند که احتمال وقوع جرم را افزایش می‌دهد؟ اطلاعات موجود در این بعد حامل یک پیام مهم برای اشخاص و نهادهایی است که مسئولیت عرفی یا قانونی در کنترل رفتارهای واقعه در حیطه محیط تحت مسئولیت یا تحت مالکیت خود را عهده دارند. پیام این بعد به این اشخاص و نهادهای متولی این است که در محیط تحت مسئولیت آنها چه مسائلی امکان وقوع دارد. طبیعتاً این پیام به تنهایی کافی نیست. زیرا اشخاص یا نهادهای جامعه‌ی یا دولتی غیر از نهاد پلیس، به دلیل عدم تخصص در پیشگیری از جرم، اطلاع کافی در خصوص راهکارهای پیشگیری از مسائل قابل پیش‌بینی در حیطه مسئولیت خود را ندارند. در برخی از موارد، یگان‌های عملیاتی پلیس، از جمله کلانتری‌ها، نیز با راهکارهای علمی پیشگیری از مسائل فراروی خود آشنائی ندارند. از این رو، لازم است که در کنار پیام نخست، پیام دیگری که حامل راهکارهای پیشگیری از مسائل مطرح شده باشد، در قالب طرح طبقه‌بندی به متولیان مذکور بیان شود. این امر مستلزم آن است که علاوه بر طرح طبقه‌بندی مذکور در فوق، یک ارتباط نزدیک و منسجم بین نهاد پلیس با واحدهای اجرایی خود و افراد و نهادهای

۱- منظور از آماج شخص انسان یا اموال یا حیواناتی است که آماج رفتار جنایی قرار گرفته است.

متولی محیط‌های اجتماعی برقرار باشد. تا مرکز مدیریت و اجرای این طرح در نهاد پلیس بتواند به صورت منسجم و مستمر تحولات صورت گرفته را به اطلاع یگان‌های اجرایی خود و متولیان کنترل یا مراقبت از عوامل نزدیک مسئله‌ساز برساند.

جدول پیشنهادی شماره ۱: طبقه‌بندی مسائل عام پلیس

عنوان مکان / نوع رفتار	تجاوزگرانه	توافقی	مشاجره	بی نظمی	ایجاد خطر	اذیت و اقوای پلیس
مسکونی						
تفریحی						
اداری						
خرده فروشی						
صنعتی						
کشاورزی						
آموزشی						
سرویس‌های خدمات عمومی						
راه‌های عمومی						
سیستم حمل و نقل						
محیط‌های تغییر کاربری و باز						

در گام بعدی، پس از طبقه‌بندی مسائل عام پلیس در این طرح، لازم است که راهکارهای پیشگیری از هریک از انواع مسائل به تفکیک طبقه‌بندی شوند. به طوری که برای یک نوع مسئله راهکارهای جدیدی برای پیشگیری از آن نیز در دسترس باشد. برای مثال اگر در نتیجه تحلیل یک رفتار جنایی تجاوزگرانه در محیط مسکونی (ردیف و ستون ۱×۱ در جدول پیشنهادی)، مشخص شود که راهکارهای (الف)، (ب) و (ج) برای پیشگیری از آن مؤثرند؛ راهکارهای (د) و (ش) غیر مؤثر و راهکار (و) مضر و نامطلوب است؛ می‌توان نتایج این تحلیل را از طریق اطلاع‌رسانی به واحدهای اجرایی پلیس و متولیان محیط‌های اجتماعی، برای پیشگیری از مسائل مشابه در محیط‌های مشابه اجرایی کرد. یعنی می‌توان از راهکارهای سودمند معین در تحقیقات قبلی استفاده کرده و راهکارهای غیر سودمند و مضر را کنار گذاشت.

بخش دوم: مبانی نظری طبقه بندی مسائل عام فراروی پلیس

اصولاً هر روش اجرایی، مبتنی بر بنیان های نظری است. بدون درک درست بنیان های نظری هر روش، اجرای درست آن با مشکل مواجه خواهد شد. از این رو، در این بخش مبانی نظری طبقه بندی مسائل عام پلیس تبیین می شود. نظریه فعالیت روزمره کوهن و فلسون که نقش بسزائی در پیشرفت و توسعه پیشگیری وضعی از جرم داشته است، مبنای نظری رویکرد حاضر را تشکیل می دهد. این نظریه برای تشریح وقوع جرایم تجاوزگرانه، که مستلزم مواجهه بزهکار و آماج در واحد زمان و مکان است، ترسیم شده است. بر اساس این نظریه، وقوع جرم مستلزم آن است که میان سه عامل تقارن و هم گرایی زمانی و مکانی وجود داشته باشد. این سه عامل عبارتند از: وجود آماج مستعد و مناسب، وجود بزهکار احتمالی و فقدان محافظت کارآمد برای ممانعت از وقوع جرم (کوهن و فلسون^۱، ۱۹۷۹: ۵۸۸). در ادامه این نظریه تکمیل شد به طوری که تشریح وقوع جرم و عوامل وضعی موجد آن، به تبیین سوء کارکرد یا عدم کارآیی افراد و نهادهای مسئول در مراقبت و کنترل بزهکاران (فلسون، ۱۹۸۶: ۱۵)، سوء کارکرد متولیان و مدیران محیط های اجتماعی (فلسون؛ ۱۹۸۷: ۹۱۵) و سوء کارکرد افراد و نهادهای مسئول در مراقبت از بزهدیدگان، تسری یافت. جان اک در مقام جمع بندی و تکمیل این نظریه بیان داشت که «وقوع جرم در شرایطی محتمل تر است که بزهکار و آماج در یک واحد زمانی و مکانی مواجه شوند، و در آن وضعیت شخصی برای کنترل بزهکار، مراقبت از بزه دیده و کنترل رفتارهای واقعه در آن محیط وجود نداشته باشد» (اک، ۲۰۰۳: ۸۸). این نظریه نقش راهبردی در پیشگیری وضعی از جرم دارد. به طوری که برای تحلیل هر جرمی از این نظریه و در قالب مثلث تحلیل مسئله استفاده می شود (نمودار شماره ۲).



نمودار شماره ۲- مثلث تحلیل مسئله (کلارک، ۱۳۸۸: ۴۶)

پرسشی که مطرح می‌شود این است که نظریهٔ فعالیت روزمره چه ارتباطی با طبقه‌بندی مسائل عام پلیس دارد؟ در پاسخ باید بیان داشت که این نظریه و مثلی که بر اساس آن به تصویر کشیده شده است، از سوئی، سوء‌کارکرد افراد و نهادهائی را به تصویر می‌کشد که مسئولیت عرفی یا قانونی در کنترل یا مراقبت از عوامل سه‌گانهٔ جرم و ناهنجاری را بر عهده دارند و از سوی دیگر، عوامل سه‌گانهٔ موجد مسئلهٔ جنایی را تبیین می‌کند. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در مثلث مذکور ۶ عامل دخیل است که بزه‌کار فقط یکی از آنهاست. اگر بزه‌کار در نتیجهٔ ارتکاب جرایم متعدد یا همنشینی با هم کیشان خود(که می‌توان از ارتباطات آنها به عنوان شبکهٔ بزه‌کاران یاد کرد)، مهارت و تجربهٔ بیشتری را در ارتکاب جرم کسب می‌کند؛ این امکان متصور است که از رهگذر ایجاد یک شبکهٔ ارتباطی منسجم بین کنترل‌کنندگان، آنها را نسبت به دانش پیشگیری از جرم آگاه‌تر و باتجربه‌تر کرده و

۱- یکی از مزایای پیشگیری وضعی از جرم، انتشار منافع حاصل از تدابیر پیشگیرانه است (کلارک و ویسورد، ۱۹۹۴: ۱۶۵). یکی از عوامل انتشار منافع حاصل از پیشگیری وضعی از جرم، کسب تجربه توسط بزه‌کاران بر اثر تکرار بزه‌کاری است. وقتی که یک بزه‌کار در نتیجهٔ چندین فقره اقدام جنایی، در برخی از آنها موفق و در برخی دیگر شکست می‌خورد؛ یاد می‌گیرد که در آینده به سمت چه آماج‌هائی و در چه مکان‌هائی سوق یابد. یعنی شکست یک بزه‌کار در نتیجهٔ اقدام بر علیه یک آماج خاص در محیط خاص به او می‌آموزد که در آینده نسبت به چنین آماج‌هائی و در چنین مکان‌هائی مرتکب جرم نشود. این یکی از عوامل انتشار منافع پیشگیری وضعی از جرم است، که عکس آن هم صادق است.

همگام با تحولات در حوزه بزهکاری، دانش پیشگیری «شبکه کنترل کنندگان» را متحول و کارآمد کرد. این مطالب به این معنی نیست که روش حاضر صرفاً در مسائل جنایی دارای سبق تصمیم و بزهکاران حرفه‌ای قابل اجراست. بلکه، در خصوص سایر جرایم و ناهنجاری‌هایی که دارای بزهکاران حرفه‌ای و با سبق تصمیم نبوده و به اعتقاد برخی «شرایط وضعی آنها را به سمت بزهکاری سوق می‌دهد» (ورتلی^۱، ۲۰۰۱: ۶۴)، نیز قابل اجراست^۲. ارتقای دانش پیشگیری از جرم در بین نهادها و اشخاصی که مسئولیت کنترل یا مراقبت از عوامل نزدیک پدیده جنایی را عهده دارند، مستلزم مکانیسمی است که به صورت مستمر و منسجم تحولات صورت گرفته در حوزه بزهکاری و راهکارهای پیشگیری از آن را به متولیان کنترل یا مراقبت از عوامل نزدیک بزهکاری اطلاع دهد و آنها را با تحولات صورت گرفته آشنا کند. برای تبیین بحث به ذکر یک نمونه علمی و کاربردی اکتفا می‌شود: اسکار نیومن^۳ واضح نظریه «فضای قابل دفاع»^۴ است. وی با تحقیق در ساختمان‌های عمومی بنا شده در ایالات متحده، به این نتیجه رسید که ساختمان‌های مذکور طوری بنا شده‌اند که ساکنان هیچ رغبتی برای مراقبت و کنترل اعمال واقعه در محیط‌های عمومی موجود در ساختمان در قبال بزهکاری را ندارند. به نظر او ساختمان‌های بنا شده دارای ایرادهایی به این شرح است: منافذ و محل‌های ورود و خروج نظارت نشده متعدد در بناهای مذکور وجود دارد؛ چیدمان ورودی‌ها و محل‌های عبور و مرور به نحوی است که امکان نظارت ساکنان بر افراد متصور نیست؛ و وجود محل‌های تاریک و ترسناک در داخل ساختمان‌ها از جمله ایرادهایی وارد بر بناهای مذکور است (کلارک، ۱۹۹۷: ۲۵). نیومن پس از این تحلیل راهکارهایی را برای کاهش نرخ بزهکاری در چنین بناهایی پیشنهاد کرد. به نظر وی برای ساختن بناهایی که بیشترین حد قابل دفاع بودن را دارا می‌باشند لازم است که بناها طوری ساخته شوند

1- Wortley

2- برای آگاهی از گونه شناسی بزهکاران بنگرید به: افراسیابی: b در نوبت چاپ.

3- Newman, O

4- Defensible space

که گم نامی افرادی که به این قبیل بناها رفت و آمد می کنند کاهش یابد؛ منافذ و محل های عبور و مرور غیر ضرور و فاقد نظارت حذف شوند؛ و محل های عمومی غیر ضروری که ساکنان برای اعمال کنترل بر آنها رغبتی ندارند حذف شوند (همان منبع). نظریه نیومن که خود به یکی از بنیان های نظری «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیط»^۱ تبدیل شد (محمودی جانکی و قورچی بیگی، ۱۳۸۸: ۳۴۵)، موجب تحول در دانش پیشگیری وضعی از جرم شد. به طوری که پیشنهاد های وی نه تنها در ساختمان های مسکونی جدید الاحداث، بلکه در طراحی شهری نیز اجرایی شد. به این ترتیب که مسیر های عبور و مرور در سطح شهر و در معابر عمومی و پارک ها باید طوری طراحی شوند که عبور و مرور اشخاص در سطح شهر در کلیه معابر و راه ها توزیع شود و نقاط کور و فاقد رفت و آمد حذف شوند. در معابر و پارک ها درخت یا درختچه هایی کاشته شود که تراکم کمتری دارند تا از این رهگذر سطح رویت پذیری و کنترل طبیعی شهروندان بر رفتار های واقعه در محیط افزایش یابد. بنابراین ملاحظه می شود که یک تحلیل چگونه می تواند در ارتقای دانش پیشگیری از جرم مؤثر واقع شود و در وضعیت های مشابه مورد استفاده قرار گیرد. این مثال از این جهت در این بخش بحث می شود که سازندگان خانه های مسکونی (یعنی همان مدیران مکان ها در مثلث تحلیل مسئله) در نمونه اشاره شده، در ساخت خانه های مذکور ملاحظات ایمنی در برابر بزهکاری را رعایت نکرده اند و این امر موجب شایع شدن بزهکاری در این ساختمان ها شده است. بنابراین، اگر در ساخت خانه های مشابه ملاحظات پیشگیری از جرم رعایت شود، از وقوع بسیاری از مسائل جنایی پیشگیری خواهد شد. در مجموع می توان گفت که در نمونه مذکور اگر ما بتوانیم ایرادهای شناسایی شده را به اطلاع سازمان مسکن و شهرسازی یا نظام مهندسی برسانیم و آنها را مجاب به رعایت معیار های امنیت بخش در قبال بزهکاری کنیم، به طریق اولی از وقوع مسائل مشابه پیشگیری کرده ایم. اجرای چنین راهکار هایی در

قبال تمام مسائل پیشروی پلیس، مستلزم سازوکاری منسجم و پویا است که در قالب طرح طبقه‌بندی مسائل عام پلیس، قابل پیگیری است.

بخش سوم: تبیین طرح طبقه بندی مسائل عام پلیس

یکی از مهم‌ترین اهداف کنترل پلیسی مسئله محور، کاهش میزان اتکای پلیس به ابزارهای سرکوب‌گر تعریف شده در نظام عدالت کیفری، و همچنین ارائه راهکارهای جایگزین برای کاهش جرایم و بی‌نظمی‌های فراروی پلیس است (گلدشتاین، ۱۹۹۰: ۱۴۵). راهکارهای جایگزین فقط زمانی در دسترس خواهند بود که ما بتوانیم مسائل عام فراروی پلیس را به صورت تفصیلی تحلیل کنیم. و سپس راهکارهای اجتماعی و غیرکیفری پیشگیری از این مسائل را تبیین و در دسترس ادارات پلیس قرار دهیم. اجرای منظم این امر مستلزم یک طرح طبقه بندی منسجم است. طبقه‌بندی‌های مرسوم در حقوق کیفری، برای سهولت در تبیین صلاحیت مراجع قضایی است و برای پیشگیری کنشی از جرم کاربردی ندارد. علاوه بر عدم کارایی این گونه طبقه‌بندی‌ها در پیشگیری از جرم، می‌توان بیان داشت که برای آن مضر است؛ زیرا نهاد پلیس را به سمت اقداماتی سوق می‌دهد که از جنس کیفری، سرکوب‌گر و واکنشی است و از سوی دیگر، از طریق تعیین شاخص‌های عملکرد یگان‌های پلیس که بیشتر در اقدامات کنترلی کیفری خلاصه می‌شود، افکار سرکوب‌گری و بازدارندگی کیفری را به نهاد پلیس تزریق می‌کند^۱. همچنین، طبقه‌بندی معمول در حقوق کیفری مبین انواع جرایم است و شامل بی‌نظمی‌های اجتماعی فاقد وصف مجرمانه نمی‌شود. این در حالی است که در عصر حاضر ما شاهد عقب‌نشینی حقوق کیفری در بسیاری از زمینه‌ها می‌باشیم و اعمالی که به صورت سنتی دارای وصف جنایی بود، از گستره حقوق کیفری خارج شده است^۲. این عقب‌نشینی به معنای این نیست که سیاست جنایی در خصوص چنین رفتارهایی

۱- یکی از موفقیت‌های کنترل پلیسی جامعه محور جلب حداکثری مشارکت مردم در سیاست جنایی مشارکتی است. این موفقیت مدیون فاصله‌گیری از کارویژه‌های سنتی نهاد پلیس است که این نهاد را تبدیل به نهادی سرکوب‌گر و واکنشی کرده بود (فتح‌اللهی و وروایی، ۱۳۸۸: ۱۸۱؛ و وروایی و بهریر، ۱۳۸۸: ۱۲۳).

۲- برای آگاهی از تحولات پیشگیری از جرم و الزامات آن در عصر حاضر بنگرید به افراسیابی و زارع مهدوی، ۱۳۸۸.

بی تفاوت است، بلکه در خصوص این رفتارها باید از روش‌های غیرکیفری برای کنترل آنها استفاده شود. بنابراین ضروری است که طبقه بندی ای ترسیم شود که مبین مسائل جنایی باشد. مسائلی که دارای وصف مجرمانه ویا فاقد آن بوده، ولی برای جامعه محلی در دسرساز است. براساس این، ضروری است که اقدامات کنترلی پلیس و آمار عملکرد این نهاد با محوریت کنترل عوامل نزدیک پدیده جنایی (که جلوه ای از آن در طبقه بندی حاضر مصداق می یابد)، بنیان نهاده شود.^۱

قبل از پرداختن به تبیین طبقه بندی مسائل فراروی پلیس، اشاره به چند نکته ضروری است. نخست اینکه، مکانیسم پیشنهاد شده، برای طبقه بندی مسائلی است که به صورت روزمره بخشی از توان پلیس محلی را به خود جلب کرده است. بنابراین آن دسته از مسائلی که به صورت روزمره و مکرر واقع نمی شوند یا مشمول اقدامات کنترلی پلیس ملی یا استانی است، در این طبقه بندی بررسی نمی شود. دوم اینکه، این مکانیسم محدود به موارد گفته شده نیست. بلکه متناسب با مقتضیات زمانی و مکانی قابل تغییر است و می توان ابعاد دیگری را به آنها افزود.^۲ سوم اینکه، اطلاعات این مکانیسم بعد از تکمیل آن، برای پیشگیری از مسائل مشابه در وضعیت های مشابه فقط در صورتی قابل استفاده است که مسئله جدید به خوبی شناسائی و تحلیل شود. پس از تحلیل ابعاد و ماهیت مسئله جدید و در مرحله تعیین راهکارهای پیشگیرانه، می توان از اطلاعات این طرح به عنوان تجربه علمی و عملی برای پیشگیری از مسائل مشابه استفاده کرد. برای تبیین این شرط به نمونه ای اشاره می شود. فرض کنید که برای حل مسئله کیف قاپی در پارک راهکارهایی از قبیل

۲- نویسنده تلاش می کند که برای سوق دهی نهاد پلیس به سمت روش های غیر کیفری، و بومی سازی روش های غیر کیفری در پلیس ایران، طبقه بندی های دیگری را ارائه دهد که از رهگذر آنها، نهاد پلیس با رویکردهای پیشگیرانه گنشی آشنا شود. برای نمونه بنگرید به مقاله «از طبقه بندی بزهکاران تا طبقه بندی تکنیک های پیشگیری وضعی از جرم» که در آن به گونه شناسی بزهکاران و تکنیک های وضعی پیشگیری از بزهکاری آنها پرداخته شده است (افراسیابی، لادر دست بررسی). یا مقاله «پارادایم های حاکم بر پیشگیری وضعی از جرم» (افراسیابی، لادر دست بررسی) که در آن، به رهیافت های اجرایی در پیشگیری وضعی از جرم پرداخته شده است.

۳- به عنوان نمونه می توان برای گسترش افقی و عمودی شهرها، یا جرایم واقعه در شبکه اینترنت نیز طبقه بندی هایی را ترسیم کرده و برای پیشگیری از آن راهکارهایی را تبیین کرد.

بهبود روشنایی داخل پارک، تغییر چیدمان صندلی های داخل پارک به نحوی که در کنار تنه درختان نباشد (برای حذف نقاط کور برای کسی که قرار است روی صندلی بنشیند)، حضور نیروهای پلیس در ساعات پیک و ... تعیین شود. حال می خواهیم برای پیشگیری از کیف قاپی در یک مکان تفریحی دیگر مثل باغ وحش یا پارک جنگلی اقدام کنیم. برای این کار لازم است که شرایط وضعی محیط جدید و اشخاصی که به این محیط رفت و آمد می نمایند تحلیل و بررسی شود. پس از تحلیل موضوعات جدید است که می توان از تجارب قبلی بهره برداری کرد. ممکن است که یک راهکار پیشگیرانه در مورد اول برای پیشگیری از کیف قاپی کارآمد باشد. ولی همین راهکار در پارک جنگلی یا باغ وحش بازخورد منفی داشته باشد. از این رو، استفاده از تجارب گذشته منوط به تحلیل مسائل جدید است.

همان گونه که در جدول طبقه بندی مسائل عام پلیس ملاحظه شد، این طرح شامل دو بُعد است. یک بُعد آن ناظر بر تعامل جنایی بزهکار و آماج است، و بُعد دیگر آن ناظر به محیطی است که تعامل جنایی در آن رخ داده است. در ادامه بحث ابعاد طرح طبقه بندی مسائل عام پلیس تشریح می شود.

۱- بُعد تعامل جنایی بزهکار و آماج (رفتار جنایی)

در بعد رفتار جنایی، ۶ نوع رفتار ذکر شده است که در این مبحث به تشریح و تبیین رفتارهای مذکور پرداخته می شود.

رفتار جنایی تجاوزگرانه^۱ شامل رفتارهایی است که مستلزم رویارویی بزهکار و آماج در واحد زمان و مکان بوده، و بزهکار برای کسب منافع مادی، لذت جنسی یا ایراد خسارت جسمانی به آماج تجاوز می کند. در این رفتارها هیچ گونه توافقی فی مابین طرفین متصور نیست. از این رو، به راحتی می توان بزهکار را از بزه دیده تشخیص داد. متخلف تلاش می کند که از نقاط ضعف بزه دیده یا از ویژگی های محیطی که ارتکاب جرم را آسان می کند، برای نیل به اهداف خود بهره ببرد. اگرچه

این رفتارها مستلزم مواجهه بزهکاران احتمالی و آماج بزه است؛ ولی هدف بزهکاران بالقوه می‌تواند بردن مال یا تعرض به تمامیت جانی یا معنوی بزه‌دیده باشد. در این نوع از مسائل جنایی، حتماً لازم نیست که بین بزهکار و بزه‌دیده تقابل فیزیکی و زدو خورد بدنی رخ دهد. بلکه، بزهکار می‌تواند از غفلت بزه‌دیده برای نیل به اهداف جنایی خود بهره ببرد. از جمله مسائلی که در این طبقه قابل ذکر است، می‌توان به کیف قاپی، سرقت، تخریب گری، تجاوز به عنف و ... اشاره کرد.

رفتار جنایی توافقی^۱ شامل رفتارهایی است که دارای بزهکار و بزه‌دیده مشخصی نبوده و طرفین با اراده و آگاهی کامل برای نیل به اهداف جنایی با یکدیگر همکاری می‌کنند. این قبیل رفتارها عموماً شامل معامله مواد مخدر، روسپیگری، فروش اموال مسروقه و ... می‌شوند.

اختلافات^۲ بین اشخاص شامل مشاجرات و مباحث خشونت بار بین افراد است. این رفتارها دارای نقاط مشترکی با موارد قبل است. شبیه رفتارهای تجاوزگرانه هر کدام از این اشخاص به ضرر دیگری اقدام می‌کند. ولی این اختلافات کسب منافع مادی را در پی ندارد و مثل رفتارهای جنایی توافقی، اختلافات بین اشخاص اغلب بین کسانی واقع می‌شود که دارای روابط قبلی می‌باشند.

بی‌نزاکنی یا بی‌نظمی^۳، به رفتارهایی اطلاق می‌شود که دارای متخلفان آشکار می‌باشند. ولی این رفتار دارای بزه‌دیدگان مستقیم و مشخص نیست. بلکه، متضرران این رفتارها اغلب در بین چند نفر پخش شده‌اند. بسیاری از رفتارهایی که آزاردهنده، زشت یا اخلاص گزند و دارای خسارت مادی یا جانی نمی‌باشند، در این طبقه قرار می‌گیرند. به لحاظ اینکه این قبیل رفتارها دارای گستره وسیعی است، این طبقه به سه طبقه فرعی دیگر قابل تقسیم است:

۱- رفتارهای آزاردهنده، زشت یا اخلاص گرانه که دارای شرایطی به این شرح است: الف) به ندرت بر علیه شخص خاصی واقع می‌شوند. ب) دارای آثار و

1- Consensual

2- Conflicts

3- Incivilities

خسارت‌های مادی یا جسمانی آنی بر دیگران نیست. برای نمونه می‌توان ایجاد سروصدا و هیاهو، ریختن آشغال و زباله بر زمین، ادرار کردن در معابر عمومی را از نمونه رفتارهای قابل طبقه‌بندی در این زیرگروه نام برد.

۲- رفتارهای تهدیدآمیز شامل رفتارهایی است که بر علیه گروه و طیف خاصی از مردم واقع می‌شود و این تهدیدهای صورت گرفته موجب ترس گروه مورد تهدید می‌شود. نمونه‌هایی از این رفتارها را می‌توان در هو کردن جوانان بر زنان عابر یا ایجاد سد معبر بدنی در معابر توسط جوانان جست‌وجو کرد.

۳- اختلافات غیر خشونت بار برای استفاده مشروع از محیط، سومین زیرگروه قابل بحث در این مبحث است. این رفتارها دارای متخلف و قربانی مشخصی نیست و با قصد ایراد خسارت بر یکدیگر انجام نمی‌شوند. ولی ممکن است که خسارت‌های غیر عمدی بر طرفین وارد شود. نمونه‌هایی از این رفتارها را می‌توان در اسکیت بازی در خیابان، تمیز کردن شیشه‌های خودروهای عبوری در تقاطع و پرسه زدن جوانان در خیابان‌ها یافت.

رفتارهای خطر آفرین^۱ شامل کنش‌هایی است که معمولاً در دو وضعیت واقع می‌شوند. نخست، در مواردی که متخلف و متضرر یک نفر است و رفتار خطرزای شخص به خودش خسارت می‌زند. از جمله خودکشی و استفاده بیش از حد از مواد مخدر. دومین شکل از رفتارهای خطر آفرین شامل آنهایی است که به دیگران مضر است. از جمله آنها، رانندگان اتومبیل‌ها و موتورسیکلت‌هایی است که در وضعیت‌های غیر مساعد مثل بارندگی با سرعت زیاد حرکت می‌کنند.

اذیت و اغوای پلیس^۲، آخرین طبقه از رفتارهای جنایی را به خود اختصاص داده است. این طبقه شامل رفتارهایی است که به صورت عمدی یا غیر عمدی خدمات پلیسی را به سمت و سوئی رهنمون می‌سازند که غیر واقعی یا خارج از حیطه مسئولیت‌های پلیسی است. دلیل اینکه این طبقه‌بندی در آخر ذکر شد این است که رفتارهای مشمول این طبقه در طبقات فوق‌الذکر جایگاهی ندارند و متضرر

1- Endangerment

2- Misuse of Police

مستقیم این رفتارها نهاد پلیس است. البته لازم به توضیح است که متضرر اصلی این قبیل رفتارها شهروندان هستند؛ زیرا هدایت پلیس به سمت موضوعات واهی یا غیرمرتبط با وظایف پلیسی، چیزی جز تحلیل توان منابع انسانی پلیس ندارد و این امر در نهایت به ضرر شهروندان است. شهروندانی که از سوئی مالیات نظم و امنیت را می پردازند و از سوی دیگر پلیس آنها در نتیجه اخبار غلط یا غیر مرتبط برخی از شهروندان، به سمت موضوعات غیر مرتبط یا غیر واقعی هدایت شده و در این مسیر بخشی از توان خود را از دست داده است.

۲- طبقه‌بندی مکان‌هایی که رفتارهای جنایی در آن واقع می‌شود

دومین بُعد طبقه‌بندی مسائل عام فراروی پلیس، به طبقه‌بندی مکان‌هایی اختصاص دارد که رفتارهای جنایی در آن واقع می‌شود. همان‌گونه که در نظریه فعالیت روزمره و مثلث تحلیل مسئله ملاحظه شد یکی از ابعاد مسائل اجتماعی، بُعد محیطی است. هر محیطی دارای شخص یا نهادی است که مالک یا متولی مراقبت از آن محیط است. اگر بتوانیم اشخاص و نهادهای مذکور را از احتمال وقوع مسائل محتمل الوقوع آگاه نمائیم و راهکارهای پیشگیری از این مسائل را به آنها اطلاع دهیم، بدون شک راهبردی اساسی را در راستای پیشگیری از جرم اجرا کرده ایم. با ارتقای دانش پیشگیری و حس مسئولیت‌پذیری مدیران محیط‌های اجتماعی، می‌توان از وقوع بسیاری از مسائل اجتماعی پیشگیری کرد. محیط‌های مذکور در این طرح، بر اساس کاربرد عرفی یا قانونی از آنها ترسیم شده است. موضوعی که باید بیان داشت اینکه محیط‌های مذکور در این نوشتار جزمی نیست، و می‌توان توأم با تحولات بزهکاری جرح و تعدیل‌هایی را در آن انجام داد.

در واقع نتیجه تحقیقات صورت گرفته حاکی از آن است که نوع و ماهیت مسائل جنایی واقعه در محیط‌های گوناگون، با شکل، ماهیت و اشیای موجود در آن محیط، و همچنین فعالیت‌های روزمره واقعه در آن، ارتباط مستقیم دارد. برای مثال، تحقیقات صورت گرفته در ایالات متحده حاکی است که یکی از عوامل قتل و جراحات‌های بدنی در رستوران‌های این کشور، وجود بطری‌ها و لیوان‌های شیشه‌ای

در روی میزهای غذاخوری است. از این رو، به رستوران‌ها ابلاغ شده است که از بطری‌ها و لیوان‌های پلاستیکی استفاده شود (محمد نسل، ۱۳۸۷).

قبل از تشریح محیط‌های مذکور در طرح طبقه بندی مسئله، لازم به توضیح است که محیط‌های مذکور شامل محیط‌هایی است که مسائل عام فراروی پلیس در آن واقع می‌شود. از این رو، مکان‌هایی مثل آموزشگاه‌های نظامی که دارای مسائل خاص خود است، در این طبقه بندی ذکر نشده است.

مکان‌های مسکونی^۱ شامل مکان‌هایی است که شهروندان در آن ساکنند. انواع مختلفی از مکان‌های مسکونی قابل ذکرند. مانند آپارتمان‌ها، خانه‌های بیلاقی، آسایش‌گاه‌ها و ... ممکن است که مکان‌های مسکونی ثابت یا متحرک باشند.

تفریح‌گاه‌ها^۲ شامل مکان‌هایی است که برای این منظور تعبیه شده و شهروندان اوقات فراغت خود را در آن سپری می‌نمایند. ممکن است که این محیط‌ها برای استفاده برای گروه‌های سنی، جنسیت، افراد و گروه‌های خاصی تعبیه شده باشند.

مکان‌های اداری شامل محل‌هایی است که امورات اداری در آن انجام می‌شود. این مکان‌ها برای انجام امورات اداری خاص تعبیه شده است. بنابراین فقط اشخاصی به این محل‌ها رفت و آمد می‌کنند که یا کارمند اداری آنجا باشند یا اینکه برای انجام امورات اداری ذی نفع به آنجا مراجعه می‌کنند. بسیاری از ساختمان‌های اداری دولتی یا بخش اداری شرکت‌های خصوصی در این طبقه جای می‌گیرند.

خرده‌فروشی‌ها^۳، شامل مغازه‌ها، فروشگاه‌ها، داروخانه‌ها و سوپرمارکت‌های عرضه مواد غذایی و بهداشتی و ... است که در آنها معاملات پولی بین شهروندان و توزیع‌کنندگان انجام می‌شود. این مکان‌ها، برخلاف مکان‌های اداری، دارای مشتریان ثابت و مستمرند و در این مکان‌ها دادوستد پولی مستقیم با شهروندان در جریان است. بنابراین یک شعبه بانک در بازار یا داخل شهر که امورات روزمره مردم را انجام

1- Residential

2- Recreational

3- Retail

می‌دهد در این طبقه بندی جای می‌گیرد. ولی شعبه مرکزی همین بانک که امورات بانک‌ها را ساماندهی می‌کند در طبقه مکان‌های عمومی جای می‌گیرد.

مکان‌های صنعتی، به محل‌هایی اطلاق می‌شود که فرایند تولید یا مونتاژ کالا در آن انجام می‌شود. کارخانجات و انبارهای کالا در این طبقه بندی جای می‌گیرند. به لحاظ عدم حضور عموم مردم در چنین مکان‌هایی این محل‌ها شبیه مکان‌های اداری است. ولی ممکن است که افرادی مثل دانش‌آموزان برای بازدید به مکان‌های صنعتی دعوت شوند.

محیط‌های کشاورزی شامل مکان‌هایی است که برای تولید میوه، سبزی، و همچنین پرورش دام و تیور تعبیه شده است. در این محیط‌ها شبیه به مکان‌های صنعتی و اداری دسترسی عموم مردم محدود است.

محیط‌های آموزشی به مکان‌های آموزشی از جمله مدرسه، دانشکده و دانشگاه اطلاق می‌شود. این مکان‌ها نیز دارای دسترسی محدود برای دانش‌پژوهان و اعضای هیئت علمی و کارمندان است. نکته‌ای که باید به آن توجه کرد اینکه طبقه بندی این مکان‌ها در یکی از طبقات مطلق نیست. برای مثال استراحت‌گاه‌های دانشجویان دانشگاه‌ها در این طبقه جای نمی‌گیرد. بلکه باید در مکان‌های مسکونی طبقه بندی شود.

مکان‌ها و سرویس‌های خدمات عمومی^۱ شامل مکان‌هایی است که عموم مردم به آن دسترسی دارند. از جمله این مکان‌ها را می‌توان در سرویس‌های بهداشتی، بیمارستان‌ها، داسراها و ... جست‌وجو کرد. این طبقه بندی نیز مثل دیگر طبقات، مطلق نیست. برای مثال آن بخش از بیمارستان که بیماران در آن تحت درمان‌اند، در این طبقه جای می‌گیرد. ولی، بخش اداری آن در طبقه مکان‌های اداری قابل بحث است.

راه‌های عمومی تمام مکان‌های موجود در این طرح را به یکدیگر وصل می‌کند. جاده‌ها، پیاده‌روها، معابر و بزرگراه‌ها از جمله این طبقه محسوب می‌شوند.

1- Human service

سیستم‌های حمل و نقل شامل لنگرگاه‌ها، ترمینال‌ها، فرودگاه‌ها، مترو و ایستگاه‌های آنها که برای حمل و نقل مسافر و بار تعبیه شده است، در این طبقه بندی جای می‌گیرد. همچنین کلیه اتوبوس‌های خط واحد، پارک سوارها، قطارها، لنج‌ها در این طبقه قرار می‌گیرند.

محیط‌های تغییر کاربری و باز شامل محیط‌هایی است که دارای کاربری خاص و مستمری نیست. برای مثال شخصی که مکانی را تخریب می‌کند تا از زمین آن برای احداث ساختمان استفاده نماید، مادامی که ساختمان جدید در کاربری جدید مورد استفاده قرار نگرفته است در این طبقه قرار می‌گیرد. مکان‌های رها شده که کاربری قبلی آنها رها شده و کاربری جدیدی در آن دایر نشده است، از جمله این مکان‌ها محسوب می‌شود.

محیط‌های باز بینابین نیز شامل مراتع، جنگل‌ها، دریاچه‌ها، و مکان‌هایی است که بنابه دلایل زیست محیطی و یا مالی بدون استفاده خاص باقی مانده است. اگرچه اشخاص می‌توانند به صورت غیر رسمی از این مکان‌ها و محیط‌ها برای تفریح استفاده نمایند؛ ولی این امر به معنای شمول طبقه مکان‌های تفریحی بر این محیط‌ها نیست. به لحاظ اینکه امکان کنترل مؤثر بر این مکان‌ها اندک است و اشخاص توان دسترسی به این محیط‌ها را دارند، در مکان‌های بینابین و باز طیف وسیعی از مسائل قابل وقوع است.

بخش چهارم: نحوه استفاده از طرح طبقه بندی مسائل عام فراروی پلیس
همان‌گونه که در جدول شماره ۱ ملاحظه شد، این جدول از یک ردیف و یک ستون تشکیل شده است. مؤلفه‌های مذکور در ردیف این جدول نمایانگر رفتار یا تعامل جنایی بزهکار و آماج است. مؤلفه‌های درج شده در ستون جدول یاد شده، معرف مکان‌ها و محیط‌هایی است که رفتار جنایی در آن واقع می‌شود. نقطه تلاقی امتداد هر یک از مؤلفه‌های مذکور در ستون و ردیف این جدول (سلول‌های موجود در جدول)، معرف یکی از انواع مسائل عام فراروی پلیس است که به صورت روزانه بخشی از توان نهاد پلیس را به خود اختصاص داده است. در داخل هر یک از این

سلول ها مسائل متعددی را می توان جای داد. برای مثال، سلول (۱×۱) را در نظر بگیرید. این سلول معرف مسائل تجاوزگرانه واقع در مکان های مسکونی است. در بعد رفتار جنایی این سلول می توان رفتارهایی به این شرح را نام برد: شکستن حرز یا حفاظ واحد مسکونی و بردن اموال؛ شکستن حرز واحد مسکونی و حمله به افراد؛ ورود به واحدهای مسکونی حفاظت نشده و بردن اموال؛ ورود به واحدهای مسکونی حفاظت نشده و حمله به افراد؛ ورود فریبکارانه و بردن اموال؛ ورود فریبکارانه و حمله به اشخاص؛ آتش زدن محل مسکونی برای کسب منافع مالی، آتش زدن محل مسکونی برای ایراد صدمه جانی به ساکنان؛ تخریب واحد مسکونی برای ایراد صدمه جانی؛ تخریب واحد مسکونی برای تهدید و ... در بعد مکانی می توان مکان های مسکونی متعددی را احصا کرد: هتل ها؛ آسایشگاه های سالمندان؛ مسافرخانه ها؛ خانه های ویلایی داخل باغ ها؛ خانه های ویلایی؛ خانه های سیار؛ استراحت گاه های دانشجویان و دانش آموزان شبانه روزی؛ استراحت گاه های کارگری در شرکت های ساختمانی و ... بنابراین در هر یک از این سلول ها تعداد تقریبی ۱۰۰ مسئله قابل طبقه بندی است.

برای استفاده از اطلاعات این سلول ها ابتدا لازم است که مسائل عام پلیس شبیه به آنچه که در سلول (۱×۱) انجام شد، در سلول های تعبیه شده طبقه بندی شوند. پس از تکمیل سلول ها، لازم است که اطلاعات مربوط به راهکارهای مناسب برای حل این مسائل در سلول ها درج شوند. طبیعی است که تکمیل اطلاعات هر کدام از سلول های طرح، مستلزم تشکیل پرونده های مرتب و منظم برای هریک از آنها (در محیط سایبر یا محیط واقعی) است. برای هرچه عملی و عینی شدن اطلاعات سلول ها لازم است که این اطلاعات نتیجه اقدامات عملی پلیس در حل مسائل باشد. ناگفته پیداست که اقدامات عملی پلیس در حل مسائل، باید متعاقب تحقیق و تحلیل مسائل صورت گیرد. یعنی اقدامات کنترلی پلیس باید بر اساس فرایند کنترل پلیسی مسئله محور انجام شود و در مرحله ارزیابی فرایند کنترل مسئله محور، معایب و مزایای طرح تبیین شود و اطلاعات حاصل از این ارزیابی به عنوان تجربیات عملی و کاربردی، برای تکمیل اطلاعات لازم در سلول ها استفاده شود. بنابراین از این

طریق در کنار هر نوع از مسائل طبقه بندی شده، راهکارهای وضعی پیشگیری از جرم، که در عمل و بر اساس تحقیقات علمی، اجرا شده اند در دسترس خواهد بود.

بعد از تکمیل اطلاعات به شرح فوق، لازم است که اطلاعات گردآوری شده برای پیشگیری از مسائل مشابه مورد استفاده قرار گیرد. این امر مستلزم آن است که نهاد پلیس یک ارتباط نزدیک و مستمر با نهادها و اشخاص متولی کنترل یا مراقبت از عوامل مسئله ساز ایجاد کند. تا از این رهگذر بتواند متولیان مذکور را با تحولات دانش پیشگیری از جرم همراه نماید. در توضیح باید بیان داشت که همان گونه که در بخش دوم مقاله بیان شد، بر اساس مثلث تحلیل مسئله (نمودار شماره ۲)، شش فاکتور قابل بررسی است. فاکتورهای سه گانه مذکور در مثلث داخلی معرف عوامل نزدیک مسئله ساز است. فاکتورهای سه گانه مثلث خارجی معرف نهادها و اشخاصی است که وظیفه عرفی یا قانونی کنترل یا مراقبت از عوامل نزدیک مسئله ساز را بر عهده دارند. اگر بتوان بین نهاد پلیس و یگان های اجرایی آن، و همچنین متولیان کنترل یا مراقبت از عوامل نزدیک پدیده جنایی یک شبکه ارتباطی مستمر و نظام مند برقرار نمود، به طریق اولی می توان، آگاهی های آنها را در زمینه پیشگیری از جرم ارتقا داده و از این رهگذر آنها را در پیشگیری از جرم سهیم کرد. این شبکه ارتباطی که در این مقاله از آن به «شبکه کنترل کنندگان» یاد می شود در صورت اجرائی شدن، نقش بسزایی در بنیانگذاری یک سیاست جنایی مشارکتی در امر پیشگیری وضعی از جرم خواهد داشت.

نتیجه گیری

طبقه بندی مسائل عام فراروی پلیس مکانیسمی است که از رهگذر آن نهاد پلیس می تواند دانش پیشگیری خود را توأم با تحولات صورت گرفته در حوزه بزهکاری ارتقا دهد و در ادامه این دانش را در اختیار شبکه کنترل کنندگان قرار دهد. اجرای این رویکرد در سیاست جنایی ایران مستلزم اقداماتی بدین شرح است: همان گونه که در

متن بیان شد، تکمیل اطلاعات طرح طبقه بندی مسائل مستلزم آن است که اطلاعات مربوطه از بستر اقدامات کنترلی پلیس، که بر اساس تحقیقات و تحلیل‌های علمی صورت گرفته اند، گردآوری شوند. از آنجا که به لحاظ تعدد و تنوع مسائل عام مشمول این طرح- تعداد تقریبی ۶۶۰۰ مسئله در این طرح قابل طبقه بندی است- و همچنین کمبود منابع مالی و انسانی، هر کدام از کلانتری‌ها و واحدهای اجرائی پلیس توان مستقل برای اجرای کامل فرایند کنترل مسئله محور برای همه مسائل جنایی را ندارند؛ لازم است که پلیس پیشگیری ناجا اجرای این رویکرد را بر عهده گیرد. این امر به معنای آن نیست که واحدهای تابعه پلیس از جمله پلیس پیشگیری شهرستان‌ها و کلانتری‌ها در تکمیل این طرح نقشی ندارند، بلکه نقش این واحدها در تکمیل طرح پیشنهادی پر رنگ تر است. زیرا اطلاعات این طرح نتیجه ارزیابی‌هایی است که در واحدهای اجرائی پلیس و در قالب فرایند کنترل پلیسی مسئله محور صورت گرفته است. بنابراین لازم است که نقش واحدهای عملیاتی پلیس و پلیس پیشگیری ناجا تبیین شود.

نهادینه سازی این رویکرد در پلیس ایران در گام نخست مستلزم پژوهش محور کردن اقدامات کنترلی یگان‌های اجرائی پلیس در پیشگیری از جرم است. این امر مستلزم نهادینه‌سازی روش کنترل پلیسی مسئله محور در یگان‌های اجرائی پلیس است. یگان‌های اجرائی پلیس از رهگذر اجرای روش کنترل مسئله محور، مسائل جنایی فراروی خود را شناسائی و تحلیل می‌نمایند، و در ادامه راهکارهایی را برای حل مسئله جنایی تعیین و اجرا می‌کنند. در نهایت نتایج تحقیقات صورت گرفته و اقدامات کنترلی اجرا شده را ارزیابی کرده و اطلاعات آن را به پلیس پیشگیری ناجا ارسال می‌نمایند. در گام دوم، پلیس پیشگیری ناجا اطلاعات واصل شده از یگان‌های اجرائی در خصوص راهکارهای پیشگیری از مسائل جنایی را در نظام طبقه بندی پیشنهادی طبقه بندی می‌نماید، و در ادامه اطلاعات طبقه‌بندی شده را از طریق نمایه کردن در اینترنت داخلی در اختیار کلیه یگان‌های اجرائی قرار می‌دهد. یگان‌های اجرائی پلیس نیز علاوه بر اینکه خود از این اطلاعات استفاده می‌نمایند، می‌توانند این اطلاعات را در اختیار مدیران محیط‌های اجتماعی و نهادهایی که به

این گونه اطلاعات نیازمندند، قرار دهند. این رویه موجب می شود که اطلاعات ناظر به انواع مسائل جنایی و راهکارهای علمی و کاربردی پیشگیری وضعی از آن در یک نظام طبقه بندی منسجم گردآوری شوند و تجربیات یگان های اجرائی پلیس در کنترل پدیده جنایی از طریق این شبکه ارتباطی به یکدیگر منتقل شود. بنابراین در صورت اجرای این طرح در پلیس ایران می توان بیان داشت که، شبکه کنترل کنندگان از طریق این ارتباط مستمر و منسجم می توانند تجارب پیشگیرانه خود را هم گام با تحولات صورت گرفته در حوزه بزهکاری ارتقا دهند.

موضوع دیگری که توجه به آن ضروری است، به شاخص های آماری متداول در یگان های اجرائی نهاد پلیس مربوط می شود. این شاخص ها که بر اساس طبقه بندی های مرسوم در حقوق کیفری مبتنی است، حاوی موضوعاتی است که یگان های پلیس را به سمت فعالیت در بخش وظایف ضابطیت این نهاد و واکنش مکرر به جرایم واقعه سوق می دهد؛ زیرا اگر به این شاخص ها نگاه شود، ملاحظه می شود که عموماً از جنس کیفری و قضائی است. در حالی که از پلیس عصر حاضر انتظار می رود که پیش از واکنش به جرم از آن پیشگیری کند و بیشتر توانش را در بخش وظایف پیشگیرانه خود متمرکز نماید. از این رو، ضرورت نهادینه سازی طبقه بندی مسائل عام پلیس، که بر اساس عوامل نزدیک مسئله ساز بنیان نهاده شده است و نهاد پلیس را به سمت تحلیل عوامل نزدیک موجد پدیده جنایی و پیشگیری از آنها سوق می دهد، دوچندان می شود.

پیشنهادها

برای اجرای این روش در سیاست جنایی ایران پیشنهاد می شود:

- ۱- در معاونت های پیشگیری از جرم در پلیس شهرستان ها شغل سازمانی برای کارشناسان پیشگیری از جرم ایجاد شود.
- ۲- فرایند کنترل مسئله محور و طبقه بندی مسائل عام فراروی پلیس به کارشناسان موجود در معاونت های پیشگیری در پلیس شهرستان ها آموزش داده شود تا از آن رهگذر مقدمات پیاده سازی رویکردهای کنشی پیشگیری از جرم در پلیس شهرستان ها فراهم شود.

۳- در حیطه پلیس پیشگیری ناجا واحدی برای کنترل پلیسی مسئله محور و طبقه‌بندی مسائل عام فراروی پلیس اختصاص یابد که دارای شبکه مجازی اختصاصی دوسویه فی مابین پلیس پیشگیری ناجا و واحدهای اجرائی پلیس است.

۴- مقالات و آثار موجود در ارتباط با کنترل پلیسی مسئله محور و مراحل اجرای آن در شبکه مجازی داخلی ناجا نمایه شود تا از این رهگذر معاونت های پیشگیری از جرم در شهرستان ها بتوانند از اطلاعات آن استفاده نمایند.

۵- برای گسترش شبکه کنترل کنندگان و بیشینه سازی سهم جامعه مدنی در پیشگیری وضعی از جرم و ارتقای دانش پیشگیرانه آن، لازم است که اطلاعات ناظر به نحوه پیشگیری وضعی از مسائل جنایی به صورت موردی و به نحو مقتضی در اختیار اشخاص حقیقی و حقوقی متولی محیط های اجتماعی قرار گیرد.



منابع

- افراسیابی، علی (aدر نوبت چاپ)، مسئله محوری در تدابیر پیشگیرانه پلیس ایران، فصلنامه دانش انتظامی. تهران: دانشگاه علوم انتظامی.

- افراسیابی، علی (bدر نوبت چاپ)، از طبقه بندی بزهکاران تا طبقه بندی تکنیک‌های پیشگیری وضعی از جرم، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم. تهران: پلیس پیشگیری ناجا.

- افراسیابی، علی (cدر دست بررسی)، پارادایم‌های حاکم بر پیشگیری وضعی از جرم، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم. تهران: پلیس پیشگیری ناجا.

- افراسیابی، علی و قادر زارع مهدوی (۱۳۸۸)، تاثیر مدل‌های سیاسی بر مدل‌های پیشگیری از جرم؛ با تاکید بر مدل‌های معاصر، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره سیزدهم.

- جرج ولد، توماس برنارد، جفری اسنیپس، (۱۳۸۰) جرم‌شناسی نظری، ترجمه علی شجاعی، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.

- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۷)، آسیب‌شناسی اجتماعی، چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت..

- فتح‌اللهی، سید سیامک و اکبر وروائی (۱۳۸۸)، رویکرد جامعه‌محور به پیشگیری انتظامی از جرم، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم، تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.

- کلارک، وی رونالد (۱۳۸۸)، جرم‌شناسی پیشگیری، ترجمه مهدی مقیمی و مهدیه تقی‌زاده، چاپ اول، تهران: دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی تهران بزرگ، چاپ اول.

- محمد نسل، غلامرضا (۱۳۸۷)، پلیس و سیاست پیشگیری از جرم، تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.

- محمد نسل، غلامرضا(۱۳۸۶)، اصول و مبانی نظریه فرصت جرم، تهران، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره سوم، صفحات ۳۲۲ - ۲۹۳.
- محمودی جانکی، فیروز و مجید قورچی بیگی(۱۳۸۸)، نقش طراحی محیطی در پیشگیری از جرم، فصلنامه حقوق، دانشگاه تهران، دوره ۳۹، شماره دوم.
- وروائی، اکبر و سروش بهریر(۱۳۸۸)، مقایسه راهبردی الگوهای پلیس سستی و نوین در پیشگیری از جرم، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال چهارم، شماره دهم.

- Clark. R (1997), **situational crime prevention, successful case studies**, Harrow and Heston publishers, second edition, Guilderland, New York.
- Clark. R and D. Weisburd (1994). **Diffusion of Crime Control Benefits: Observations on the Reverse of Displacement**, *Crime Prevention Studies*, vol. 2. Monsey, NY: Criminal Justice Press. pp 165-183
- Cohen, L.E. and M. Felson (1979), **Social Change and Crime Trends: A Routine Activities Approach**, *American Sociological Review* (44): 588-608.
- Eck,j(2003), **police problems: the complexity of problem theory, research and evaluation**, *crime prevention studies volume 15*, pp70-113.
- Eck,j. Clarck. R (2003), **classifying common police problems: A routine activity approach**, *crime prevention studies volume 16*, pp7-36.
- Felson, M. (1986). **Predicting Crime Potential at any Point on the City Map**, *Metropolitan Crime Patterns*. Monsey, NY: Criminal Justice Press.
- Felson, M. (1987). **Routine Activities and Crime Prevention in the Developing Metropolis**. *Criminology* 25(4):911-932.
- Goldstein, H. (1990). **Problem-Oriented Policing**. New York, NY: McGraw-Hill.
- Goldstein Herman. (۲۰۰۱) **'what is pop? Obtained from:**
<http://www.popcenter.org/about/?p=whatispop>
- Goldstein Herman(1990), **Problem-Oriented Policing**, *obtained from:*
http://www.popcenter.org/library/reading/pdfs/goldstein_book.pdf

- Thornberry, T.P. (1998). **Membership in Youth Gangs and Involvement in Serious and Violent Offending**. In: R. Loeber and D. Farrington(eds.), *Serious and Violent Juvenile Offenders: Risk Factors and Successful Interventions*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- Wortley, R. (2001). **A Classification of Techniques for Controlling Situational Precipitators of Crime**. *Security Journal* 14:63-82.



شعبه‌شناسی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی